



تاریخ پایان پادشاهی مهرداد اول پارتی

دکتر غلامرضا فرهاد آثار
دانشگاه سنت کاترین، آکسفورد

برگردان پارسی: پوریا علیمرادی

بدون شک باید گفت که تاریخ شاهنشاهی پارتی (اشکانی) بطور بسیار ضعیفی در منابع معاصر و کلاسیک موجود بازتاب یافته است. این امر بالاخص بخاطر فقدان تقریبا کلی مستندات دست اول و منابع ادبیات یونانی - لاتینی درباره پارتیان است. تا آنجا که به منابع باقیمانده مربوط می‌شود، سالنامه‌های بابلی و فهرست شاهنشاهان اشکانی مفقود هستند و ما تنها پاره‌هایی از پارتیکای آپلودوروس آرتمیثایی، تاریخ استرابو، کتابهای ۴۱ و ۴۲ تروگوس پومپیوس و پارتیکای آریان را در دست داریم. در حال حاضر، ژوستین، منبع اصلی ما درباره تاریخ اوایل اشکانی است. او تاریخ شاهنشاهان نخستین اشکانی یعنی از اشک اول (۲۱۱-۲۴۷ پ.م.) تا آرد دوم (۳۸-۵۵ پ.م.) را بطور خلاصه در جلدهای ۴۱ و ۴۲ کتاب خلاصه تاریخ فیلیپی از تروگوس پومپیوس آورده است. با اینحال، او نه تنها در بسیاری از موارد گفته‌های خود و منبعش، تروگوس پومپیوس، را نقض می‌کند، بلکه بعضی سلطنت‌های نه چندان پر حادثه اشکانی را با سلطنت‌های طولانی‌تر و موفق‌تر در هم می‌آمیزد و تقریبا چهل سال از دوره تاریک شاهنشاهی اشکانی (۵۵-۹۱ پ.م.) را بدلیل پیچیدگی‌هایش از روایت خود حذف می‌کند. دیگر منابع، شامل: پولیبیوس، دیودوروس، پلوتارک، آپیان، ژوزفیوس، تاسیتوس و موسی خورنی کمتر توالی دارند و تنها تعداد انگشت‌شماری از روایات متمایز از دوره اشکانی را برای ما حفظ کرده‌اند.

بیشترین وقفه در پیشرفت، نتیجه درهم آمیختگی مطالب و فقدان تاریخ‌های دقیق روی کار آمدن پادشاهان در منابع موجود است. بنابراین ما باید خودمان منابع را به بهترین حالت ممکن به هم ربط دهیم و با استفاده از شواهدی از سکه‌ها، منابع میخی بابلی و اشاراتی کوتاه در ادبیات کلاسیک تاریخ آغاز و پایان سلطنت شاهنشاهان نخستین اشکانی را مشخص کنیم. در این نوشتار قصد من معرفی و تحلیلی مختصر از منابع دست اول و ثانویه است تا نشان دهم که تاریخ مرگ مهرداد اول بین ۳/۴ آوریل تا ۲۷/۲۸ آگوست سال ۱۳۲ پ.م. است و نه تاریخی که معمولا پذیرفته شده است، یعنی ۱۳۸-۱۳۷ پ.م..





بر طبق گفته ژوستین (۹-۴۱، ۵، ۹-۱۰)، اندکی پس از پیروزی بر قبایل قدرتمند ماردی در هیرکانیا، فرهاد اول (تقریباً ۱۶۵-۱۶۸ پ.م.)^۱ سلطنت را به برادرش مهرداد اول «یکپارچه کننده معروف» واگذار کرد و درگذشت.

روی کار آمدن مهرداد اول معمولاً بعنوان آغاز گسترش شاهنشاهی اشکانی و نهایتاً تبدیل آن به یک امپراتوری جهانی شناخته می‌شود. او نخست از جنگهای ویرانگر بین دولتهای باکتريا و هند^۲ بهره گرفت و مرزهای شرقی پارت را تحکیم نمود. پس از مرگ آنتیوخوس چهارم (۱۶۴-۱۷۵ پ.م.)، مهرداد به اوکراتیدس اول (تقریباً ۱۴۵-۱۷۰ پ.م.) حمله برد و دو ساتراپی غربی باکتريا یعنی توریبا و اسپینوس را به قلمرو خود ضمیمه کرد.^۳ او سپس از درگیری میان الکساندر بالاس (۱۴۵-۱۵۰ پ.م.) با بطلمیوس ششم مصری و حمله دمتریوس دوم (۱۳۸-۱۴۵ پ.م.) دوره نخست سلطنت) به الکساندر بالاس در طول سالهای ۱۴۵-۱۴۸ پ.م. برای لشگرکشی به ماد استفاده کرد. پس از سلسله جنگهایی با مادها، مهرداد نهایتاً در پایان سال ۱۴۸ پ.م. و یا آغاز ۱۴۷ پ.م. به پیروزی رسید.^۴ ما بوسیله ژوستین (۷، ۶، ۴۱) می‌دانیم که «تصرف ماد باعث تقویت قدرت مهرداد گردید و او پس از انتصاب بگاسیس / وگاسیس به عنوان حاکم آن ساتراپی عازم هیرکانیا شد». من نشان داده‌ام که بگاسیس برادر مهرداد اول و حاکم منصوب او در ماد، مگنا و آتروپاتن بوده است.^۵ از او بعنوان بگایاش (Bagāyāsh) در اسناد میخی بابلی و بعنوان ولرشک، برادر مهرداد و پادشاه ارمنستان توسط موسی خورنی یاد می‌شود.

سقوط ماد، راه را برای تهاجم‌های بیشتر پارتیان هموار ساخت. در ژوئن/جولای ۱۴۱ پ.م.، مهرداد از شورش حاکم غاصب سلوکی، دیودوتوس تریفون (۱۳۸-۱۴۱ پ.م.) استفاده کرد و به بین‌النهرین لشکر کشید. او ابتدا سلوکیه بر کنار دجله و سپس بابل را در ۵/۶ جولای همان سال تصرف کرد. یادداشتی ناقص از قطعه‌ای از یک کتیبه نجومی به تاریخ ۱۷۱ سلوکی بابلی^۶ از پیروزی مهرداد در بابل یاد می‌کند:^۷

^۱ به نقل از Assar 2005: 39-40: درباره تاریخ آغاز و پایان سلطنت فرهاد اول.

^۲ Bopearachchi 1991: 65-66.

^۳ استرابو (۲، ۱۱، ۱۱). طبق نظر تارن (۱۲۶-۱۲۲: ۱۹۳۰) اینها ممکن است با تپوریه شرقی و تراکسیانا تطبیق کنند. همچنین به نقل از Roberts 1932: 579; Debevoise 1938: 19; Bivar 1983: 33; Torday 1997: 350-351. Roberts 1963: 76; Roberts 1967: 283 and 291; Bivar 1983: 33

^۴ به نقل از Roberts 1963: 76; Roberts 1967: 283 and 291; Roberts 1967: 283 and 291; Bivar 1983: 33 و Bivar 1983: 33. در تاریخ پانموس ۱۶۴ سلوکی (ژوئن/جولای ۱۴۸ پ.م.) در کتیبه‌ای که بر روی مجسمه خوابیده هرکول در بیستون آمده است.

^۵ Assar 2001a: 41; Assar 2001b: 17-22.

^۶ گاهشماری سلوکی بابلی (آغاز = ۱ نسیان (۲/۳ آوریل) ۳۱۱ پ.م.) به نقل از Assar 2003: 175-176.

^۷ Sachs and Hunger 1996: 134-135, No. -140A.





- 2: [....] r^{x1} [....] meš^r x x x¹ LUGAL šá² r^{x1} [....]
- 3: [....] DU^{meš} ina^{kuš} r^{GÍD}.DA x¹ [....] MU-1-me-7-K]ÁM² šá¹ r^ši-i² MU¹-1-me-1,11-KÁM SAR^{meš} r^x x GÜ¹-D[É²]
- 4: [....] URU^{meš} šá¹ KUR Ma-da-a-a [....] al-te-me um]-ma¹ A-r^{za}-x¹-a-r^x-x¹-a šá¹ TA^{uru} Ur-qa-na²-a-nu¹ SIG² r^{x1} [....]
- 5: [....] r^{SAG} ITU BI U₄-22-KÁM^{kuš} r^{GÍD}.D[A] m]u^h-hⁱ lú^{pa}-h^{at} E^{ki} u¹ pu-li-te-e MU-a-ti SAR x x r^{x1} [....]
- 6: [....] ina¹ GAL-ú-qu-tu ina KUR URI^{ki} r^{x1} [....] r^{x1} ina É IGI-DU₈-A GÜ-DÉ U₄ BI al-te-me um-ma¹ Ti-'u-ú-gi² [....]
- 7: [....] A]r-šá-ka-a LUGAL ana^{uru} Se-lu-ke-'a-[a] r^{x1} U₄-24-KÁM¹ An-ti-'u-uk-su A šá¹ Ar-'a-a-bu-za-na-a LUGAL [....]
- 8: [....] KUR Aš-šur^{ki} šá¹ ina IGI-ma² Ar-šá-ka-a r^{LUGAL} [....] m]u^h-hⁱ 4¹ GAL ú-qu-tu šá¹ KUR URI^{ki} pa-qid KU TUK šá¹ GIM GIŠ-S[AR]
- 9: [....] uru^{Se-lu-ke-'a}]-a URU LUGAL-ú-tu KU₄-ub ITU BI U₄-28-KÁM¹ [....] Ar-šá]-ka-a LUGAL⁸ GAL-ú mun-nu-ú TA^{uru} Se-lu-ke-'a-a ana E^{ki} KU₄-u[b]

- ۲: [....] [....] پادشاه [....] [....]
- ۳: [....] رفت، بر روی یک چرم نوشته، نوشته شده بود [....] سال ۱۰۷، که سال ۱۷۱ بود، آنها خوانده شدند [....]
- ۴: [....] شهرهای ماد [....] من شنیدم] که آزا [....] که از شهر هیرکانیا، یک [....] مشهور
- ۵: [....] آن ماه، روز ۲۲ام، چرم نوشته‌ای [....] به فرماندار بابل و این شهروندان (یونانی) [....]
- ۶: [....] در مقام فرمانده سپاه در بابل [....] در رصدخانه خوانده شد. در آنروز چنین شنیدم: تیوگی [....]
- ۷: [....] شاه ارشک به سلوکیه [....] روز ۲۴ام، آنتیوخوس، پسر آریوبوزن شاه، [....]
- ۸: [....] از آشور که پیش از شاه ارشک، [....] منصوب شد [....] بالاتر از چهار فرمانده سپاه بین-النهرین. یک [....] که شبیه به با [غ] بود.
- ۹: [....] به [سلو]کیه، شهر سلطنتی، وارد شد. آن ماه، روز ۲۸ام، [....] ار [اشک]، شاه بزرگ شناخته شده، از سلوکیه وارد بابل شد [....]

⁸ Sachs and Hunger 1996: 138. پروفیسور هانگر توضیح می‌دهد که واژه‌ای که با صفت بزرگ توصیف شده است مشابه LUGAL (شاه) است ولی کاملاً با آن یکی نیست. بعضی نامهایی که به *kā*- ختم می‌شوند، ممکن است *Aršakā* باشند، مانند مهرداد اول، ولی *munnu* (منصوب) در شان یک شاه نمی‌باشد. اما به هر حال در مشورت‌های بعدی با پروفیسور هانگر (مکاتبات خصوصی ۲۰۰۰، ۵، ۲۲) توافق شد که *munnu* (منصوب، گماشته شده، شناخته شده) می‌تواند در مورد مهرداد اول صادق باشد زیرا او نخستین شاه پارتی بود که در بابل برسمیت شناخته شد. این موضوع همچنین به ما اجازه می‌دهد که علامت میخی نامشخص پس از *[Ar-šá]-ka-a* را LUGAL (شاه) بخوانیم. به کمک آقای C.B.F. Walker، معاون دپارتمان شرق نزدیک باستان در موزه بریتانیا، من متن لوحه را در فرصتهای گوناگون مقابله و بازخوانی کردم و یقین دارم که علیرغم فشردگی، نام مهرداد اول مانند بخشهایی در سطور ۷ و ۸، به صورت «شاه ارشک» نوشته شده است و نه «ارشک».





مهرداد آنگاه جشنی به مناسبت دست‌آوردهای خود در بین‌النهرین برگزار کرد و یک سری سکه نقره یک و چهار درهمی ضرب کرد (S13.1-10). این سکه‌ها بطور پیوسته تا سال ۱۷۴ سلوکی^۹ (اکتبر / نوامبر ۱۳۹ – سپتامبر / اکتبر ۱۳۸ پ.م.) در سلوکیه بر کرانه دجله ضرب شده‌اند. (شکل ۱)



شکل ۱: S13.1: سکه چهار درهمی مهرداد اول (مجموعه نگارنده)

منابع ما درباره تحرکات مهرداد اول در طول سالهای ۱۳۸-۱۴۱ پ.م. ناکافی و غیرقاطع‌اند. بر طبق یادداشت تاریخی ناقصی در یک وقایع‌نامه نجومی دیگر^{۱۰}، مهرداد احتمالاً در ماه نهم سال ۱۷۱ سلوکی بابل (۴/۳ دسامبر ۱۴۱ – ۲/۱ ژانویه ۱۴۰ پ.م.) خود را برای اقدام بر علیه مهاجمان سکایی که شروع به دست‌اندازی به مرزهای شمال شرقی پارت کرده بودند، آماده می‌کرد. در این مدت، سرداران مهرداد یکسری جنگهای طولانی را با الیماییس آغاز کردند. بر طبق گفته اوروسیوس (۵،۴) با تصرف بابل و توسعه قدرت خویش به هند، مهرداد اول «فرمانروای تمامی مردم ساکن بین هیداسپس و سند» گردید. در همین زمان، ژوستین (۳-۴۱،۶،۱) گزارش می‌دهد که بخت پارتیان در زمان مهرداد اول بیدار شد و آنها را به بالاترین مرتبه قدرت رساند. از سوی دیگر، باکتریاییها که در نبردهایشان با سغدیان، آراخوزیان، درنگیاناییها، هراتی‌ها و هندیان ضعیف شده بودند، با فرسودگی قدرتش، زیر سلطه پارتیان درآمدند و نه تنها قلمرو، بلکه آزادی خود را نیز از دست دادند. استرابو (۱۱،۹،۲) بطور خلاصه خاطر نشان می‌کند که پس از شکست دادن سکاها پارتیان بخشهایی از باکتريا را ضمیمه قلمرو خود کردند. سرانجام دیودوروس سیکولوس (۳۳،۱۸،۱) توضیح می‌دهد که «شاه ارشک (مهرداد اول) با تعقیب سیاست مدارا و انسانیت موفق شد بر جریان پیشرفت سوار شود و در نهایت قلمرو خود را گسترش دهد. او دامنه فتوحاتش را تا هند گسترش داد و حتی بدون جنگ مناطقی را که زمانی پروس بر آن حکومت می‌کرد زیر سلطه خویش درآورد». این منابع خلاصه، قویا نشان می‌دهند که

^۹ گاه شماری سلوکی مقدونی (آغاز = ۱ دیوس (۶/۷ اکتبر) ۳۱۲ پ.م.) به نقل از Assar 2003: 176.

^{۱۰} Sachs and Hunger 1996: 146-147, No. -140 C.





پس از پیروزی در بین‌النهرین، مهرداد مهاجمان بیایانگرد را از شمال شرق کشورش راند و قلمرو خود را احتمالاً تا رود جیحون در شرق و شهر فعلی پورالی در جنوب شرق گسترش داد.

آخرین دست‌آورد شناخته شده مهرداد اول در برابر حاکم سلوکی، دمتریوس دوم (۱۳۸-۱۴۵ پ.م. در دوره نخست سلطنت) روی داد. ژوستین (۶-۱، ۳۶) و ژوسفوس (عهد عتیق یهود، ۱۸۶-۱۸۴، ۱۳) تأکید می‌کنند که پس از شکست الکساندر بالاس، دمتریوس دوم از بخت خوب خود سرمست و مغلوب شرارت‌های جوانی گردید. او برای برطرف کردن این شبهه که پادشاهی تن‌آساست، تصمیم گرفت که به پارت حمله کند. ساکنان شرق، بعلت عدم رضایت از مهرداد، با خوشحالی اخبار مربوط به دست‌آوردهای او را دنبال می‌کردند. با یاری سربازان کمکی که از پارس، الیماییس و باکتريا رسیده بودند، دمتریوس توانست پارتیان را در سلسله جنگ‌هایی شکست دهد. اما در نهایت با پیشنهاد صلح از سوی پارتیان فریب خورد و پس از اسارت، در شهرهایی که از او حمایت کرده بودند با خواری گردانده شد و نهایتاً به هیرکانیا، جایی که درخور مقام شاهان بود، فرستاده شد. اما در یک متن دیگر ژوستین (۳-۲، ۳۸، ۹) خاطر نشان می‌سازد که پس از پیروزی در جنگ‌های بسیار، دمتریوس در یک کمین غافلگیر شد، ارتش خود را از دست داد و به اسارت پارتیان درآمد. مهرداد با او با بزرگواری شاهانه‌ای رفتار کرد و او را به هیرکانیا فرستاد. در آنجا دختر خود را به حاکم نگونبخت سلوکی به زنی داد و به او قول داد تا تختگاه سوریه را که تریفون غضب کرده بود به او بازگرداند. بنابر قول آپیان (جنگ‌های سوری ۱۱، ۶۷) دمتریوس در کاخ پادشاهی فرهاد زندگی پرداخت و با خواهر او، رودگونه، ازدواج کرد.

از پیروزی مهرداد بر دمتریوس، متن خلاصه و ناقص زیر از پایان ماه چهارم وقایعنامه نجومی سال ۱۷۴ سلوکی بابلی (۸/۷ جولای - ۵/۴ آگوست ۱۳۸ پ.م.) بجای مانده^{۱۱}:

- 3: ITU BI U₄-28-KÁM¹Ar²-[šá-ka-a² LUGAL²]
- 4: [...^{lu}]GAL ERÍN^{meš} šá ana muḫ-ḫi 4^{lu}GAL ERÍN^{meš} ana E^{ki} KU₄^{meš}-nu ITU BI ŠUB-ti ÁB.GU₄^{há} x¹ [...]
- 5: [...]^{ki}UNUG^{ki} u URU^{meš} šá ana muḫ-ḫi ÍD GÚ-DU₈-A ÍD su-ú-ru ÍD pi-qu-du u ÍD^{meš} [...]
- 6: [...]¹x x¹ u ni ŠÁ^{meš}-šú-nu TI-ú ana KUR NIM-MA ú-še-lu-ú UN^{meš} URU^{meš} šú-nu-tú ina gi-lit EN¹ x¹ [...]
- 7: [... su]-un²-qa² u SU-KÚ ina MÚŠ.ŠÉŠ^{ki} u URU^{meš} šá KUR NIM-MA GAR-an al-te-me um-ma^{lu}UNUG^{ki}-a-a si x¹ [...]
- 8: [...]¹x¹ ik-pu-du-ú HUL-ti ITU BI al-te-me um-ma¹De-meṭ-ri LUGAL šá ina IGI-ma ERÍN-šú TA URU^{meš} [...]
- 9: [...]^{ki}URI DÜ-uš u¹Ar-šá-ka-a LUGAL an-na-a TA URU^{meš} šá KUR Ma-da-a-a ana KUR URI^{ki} GIN-ma x [...]
- 10: [...^m]ERÍN-ni-šú GAR-ma šá-a-šú u^{lu}GAL^{meš}-šú ina ŠU^{II} iṣ-bat um-ma¹Ar-šá-ka-a LUGAL sa-lim SIG₅-ka TA x¹ [...]
- 11: [...]¹ina nu-ḫu-uš DÜG.GA ŠÀ-bi u sa-lim SIG₅ ina URU^{meš} šá KUR Ma-da-a-a ina ta-ḫu¹Ar-šá-ka-a LUGAL šak- [...]

¹¹ Sachs and Hunger 1996: 160-161, No. -137A.





- ۳: آن ماه، روز ۱۲۸م، [شاه] ار [شک]
- ۴: پیشاپیش چهار سردار وارد بابل شد. آن ماه، هنگام مرگ چهارپایان [....]
- ۵: [....] اوروک و دیگر شهرهایی که بر آبراه کوتها، سورو، پیقودو و آبراه‌های [....] بودند
- ۶: [....] شان آنها (ایشان) را گرفتند و به ایلام فرستادند. مردمان این شهرها از ترس [....]
- ۷: [....] و خشکسالی در شوش و دیگر شهرهای ایلام پدید آمد. من اینگونه شنیدم: اهالی اوروک [....]
- ۸: [....] تصمیمی بدشگون گرفت. آن ماه، من اینگونه شنیدم: (غلط نوشتاری) شاه دمتریوس که قبلا سربازانش را از شهرهای [....]
- ۹: [....] از بابل [....] کرد و این شاه ارشک از شهرهای ماد به بابل آمد و [....]
- ۱۰: [....] بر سپاهیان او [شکست] وارد کرد. او و نجبای او را دستگیر کرد. در حالیکه می‌گفت: شاه ارشک [....] برای تو صلحی خوب از [....]
- ۱۱: [....] بی‌شمار، شادی و صلح خوب در شهرهای ماد در کنار شاه ارشک [....]

بنابر آنچه در سطور ۸ و ۹ سند بالا آمده است، در طی یک ماه، مهرداد ماد را به قصد بابل ترک کرد، نیروهای سلوکی را شکست داد، دمتریوس را به اسارت گرفت و به ماد فرستاد. این درست بر خلاف گفته ژوستین (۳۶،۱،۶) است که می‌گوید مهرداد اول دمتریوس را به هیرکانیا روانه کرد.

نظریه کلی در مورد پایان دوه فرمانروایی مهرداد اول بر این مبتنی است که او به فاصله کوتاهی پس از ضرب آخرین سکه‌هایش (S13.5 و S13.10) پیش از اکتبر ۱۳۸ پ.م. در گذشته است^{۱۲} (شکل ۲). با اینهمه اسناد میخی بابلی قویا نشان می‌دهند که او تا اوایل سال ۱۳۲ پ.م. زنده بوده است ولی در اثر ابتلا به بیماری، پس از سال ۱۳۸ پ.م. کم‌کم رنجور شد و هوش و حواس خود را از دست داد.

¹² Debevoise 1938: 26; Sellwood 1980: 29; Bivar 1983: 38; Assar 2001a: 21.





شکل ۲: S13.5: چهار درهمی مهرداد اول به تاریخ ۱۷۴ سلوکی (۱۳۹/۱۳۸ پ.م.)

نخستین دلیل پادشاهی طولانی‌تر مهرداد اول در دو قطعه وقایعنامه نجومی ناقص از بابل دیده می‌شود. اینها تاریخ‌های ۱۷۵ و ۱۷۷ سلوکی بابلی را بر خود دارند و حاوی اشاراتی هستند به شخصی که از بیماری رنج می‌برد و در نهایت دچار کسالت خطرناکی می‌شود.^{۱۳} گرچه نقل قولهای مشابهی در مورد مردان و زنان نه چندان برجسته در وقایعنامه‌های بابلی غیر معمول نیست اما ترکیب اینها با دو سطر اطلاع از سال ۱۷۹ سلوکی بابلی که از این گواهی پشتیبانی می‌کنند، کفه را به سود این نظر که پادشاهی مهرداد دیرپاتر از ۱۳۸ پ.م. بوده است، سنگین می‌کند.

نخستین گواه در یادداشتی تاریخی متعلق به ماه هفتم وقایعنامه سال ۱۷۹ سلوکی بابلی (۸/۷ اکتبر - ۶/۵ نوامبر ۱۳۳ پ.م.) می‌باشد^{۱۴}:

- 21: ITU BI *al-te-e*² um-ma¹ Pi-li-nu-us-su^{lu} GAL ERÍN-ni KUR URI^{ki} šá ana muh-*hi* 4
^{lu}GAL ERÍN-ni
 22: šá ina^{itu} BAR a-na URU^{meš} šá KUR Ma-da-a-a ana IGI¹ Ba-a-ga-a-a-šá-a^{lu} ŠEŠ LUGAL
 GIN-ma

- ۲۱: آن ماه، من چنین شنیدم: فیلینوس، سپهسالار بابل که بالاتر از چهار سردار دیگر بود،
 ۲۲: در ماه اول (نیسان) به شهرهای ماد رفته بود، برای دیدار با بگایاش، برادر شاه

دومین سند، نشان ویژه تغال نجومی به تاریخ ۹/۱۰ دسامبر ۱۳۳ پ.م. می‌باشد که تابحال منتشر نشده است^{۱۵}:

¹³ Sachs and Hunger 1996: 182-183, No. -136B, سطر ۱۶، روی کتیبه and 194-195, No. -134B₁+B₂, روی کتیبه، سطر ۱۶.
¹⁴ Simonetta 1978: 162, n. 9; Sachs and Hunger 1996: 216-217, No. -132B
 متن مذکور پیشنهاد می‌دهد؛ Torday 1997: 349 عبارت برادر پادشاه را به معنای سلطنت مشترک می‌داند.





- 16:^{it}GAN U₄-r⁵¹-KÁM MU-1-me-
 17: 15-KÁM šá šī-i MU-1-me-1,19-KÁM
 18: ¹Ar-šá-ka-a
 19: LUGAL KUR-KUR^{mes}

ماه ۹م، روز ۱۵م، سال ۱۰۰+
 ۱۵ که سال ۱۷۹ بود
 ارشک (هست)،
 شاه کشورها

در اینکه اشاره به **بگایاش** بعنوان **برادر پادشاه** در سند مورخ اکتبر / نوامبر ۱۳۳ پ.م. اشاره‌ای است به پادشاهی در قید حیات و نه فقید، شکی نیست. همانطور که پیشتر نشان داده شد، موسی خورنی گزارش می‌دهد که مهرداد اول، برادرش، ولرشک، را بعنوان «پادشاه ارمنستان» منصوب کرد. این ولرشک همان حاکم ماد است که او را در گزارش ژوستین با نام بگاسیس / وگاسیس باز می‌یابیم و بنابراین ممکن است با بگایاش مذکور در سند میخی بابلی نیز قابل تطبیق باشد.

علاوه بر آن، دادن نسبت **شاه کشورها** به فرهاد دوم در آخرین بند متن بالا، کمی دشوار است. چندین شاه بزرگ هخامنشی و پس از آنها اسکندر سوم مقدونی و شماری از فرمانروایان موفق سلوکی این لقب را به خود نسبت دادند. در سراسر فرمانروایی پارتیان این عنوان یگانه است و بنابراین بیشتر مناسب شاهی قدرتمند و

¹⁵ BM 45715 (SH 81-7-6,122); Strassmaier 1893: 111; Minns 1915: 31, Text "e"; Kugler 1924: 446 and 448, Text 8; Oelsner 1964: 269, n. 23; Oelsner 1975: 31, n. 15; Van der Spek 1997/8: 173, n. 28.





پرتجربه چون مهرداد می‌باشد تا فرزند جوان و جانشین کم تجربه او یعنی فرهاد دوم^{۱۶}. مهرداد بی‌شک فاتحی بزرگ بود و توانست پارت را از یک پادشاهی کوچک در شرقی‌ترین نقطه قلمرو سلوکی به یک شاهنشاهی جهانی تبدیل کند.

بهرحال، دو سند بعدی به روشنی نشان می‌دهند که فرهاد دوم قطعا تا پیش از آوریل ۱۳۲ پ.م. نمی‌توانسته جانشین مهرداد اول شده باشد.

آخرین وقایعنامه نجومی از سال ۱۷۹ سلوکی بابلی (۱۳۳/۱۳۲ پ.م.) ماه‌های ۷م تا ۱۲م آن سال (۸/۷ اکتبر ۱۳۳ – ۳/۲ آوریل ۱۳۲ پ.م.) را در بر می‌گیرد^{۱۷}. گرچه این سند تنها گزارشی سطحی از جنگهایی سهمگین طی ماه‌های ۹-۸ (۶/۷ نوامبر ۱۳۳ – ۳/۴ ژانویه ۱۳۲ پ.م.) در الیماییس می‌دهد، اما به خوبی نشانگر آن است که دشمن الیمایی بطور قطعی شکست داده شده و ساتراپی مذکور در اوایل سال ۱۳۲ پ.م. به تصرف پارتیها درآمده است. یادداشت تاریخی ناقص از ماه ۱۰م آن سال (۴/۵ ژانویه – ۱/۲ فوریه ۱۳۲ پ.م.) چنین خوانده می‌شود:

- 13: [ITU BI ^{lú}KIN-GI₄-A LUGAL šá ^{kuš}SAR^{meš} na-šu-ú ana E^{ki} KU₄-ub ^{lú}Š]À-TAM É-sag-gíl u ^{lú}E^{ki}.meš ^{lú}UKKIN šá É-sag-gíl 1-en GU₄ ù 5 SISKUR
- 14: [ina KÁ-DUMU-NUN-NA šá É-sag-gíl ana ^{lú}KIN-GI₄-A LUGAL MU-a-tì NIDBA GUB^{meš}-niš-šú ana ^dEJN ^dGAŠAN-ia DINGIR^{meš} GAL^{meš} ana bul-^rtu¹ šá LUGAL ù a-na bul-ti-šú GAR-an ITU BI
- 15: [^{kuš}GÍD.DA šá ana muḫ-ḫi ^{lú}pa-ḫat u ^{lú}pu-li-ṭa-an-nu šá ina E^k[^r S]AR-u' ina É ta-mar-tú šá-su-ú ak-ka-'i-i
- 16: [... ¹Ur-'a-a A šá ¹Ka-a]m-na-áš-ki-i-ri ^{lú}KÚR ^{lú}NIM-MA^{ki} šá si-ḫi ana muḫ-ḫi ^{lú}AD-šú is-se-ḫi-'u
- 17: [...] ina KUR URI^{ki} TUŠ-u' UGU [^{lú}]ERÍN^{meš}-šú-nu ú-ka-ši-ru ú-zi-bu
- 18: [...] ^rx¹-ár-ra-ta-áš ÍD [KUR NI]M-MA^{ki} i-bi-ru-ú a-na 1 DANNA.ÀM id-du-ú
- 19: [... M]AḪ^{meš} a-na LÚ.[NE a-na² tar]-ša a-ḫa-meš ip-ṭu-ru-ú ina ^{itu}APIN U₄-7 ^{lú}ERÍN^{meš}
- 20: [... ^{lú}]ERÍN^{meš} [x x] ^rx¹ BAD₅.BAD₅ ^{lú}ERÍN^{meš} KÚR GAR-u' EN ŠÚ šámaš re-ḫe-e-tú
- 21: [... K]U₄-ub ¹Ur-'i-a A šá ^{lú}KÚR ^{lú}NIM-MA^{ki} MU-a-tì
- 22: [...] 1-en GU₄ ù 5 SISKUR ana tar-ša ^{lú}DUMU šip-ri MU-a-tì
- 23: [...]-u' u ana bul-ti-šú GAR-an

۱۳: [آن ماه، قاصدی از جانب پادشاه با پیغامی در دست وارد بابل شد] روحانی معبد اسانگیل و بابلی‌ها، انجمن اسانگیل، یک گاو و ۵ (گوسفند) برای قربانی [آماده کرد]

¹⁶ Assar 2001a: 23. من پیشتر این متن را متعلق به دوران فرهاد دوم می‌دانستم. صفت LUGAL KUR-KUR^{meš} را باید به سادگی شاه کشورها خواند و نه شاه همه کشورها. این صفت در ترکیب با دو صفت مشابه LUGAL KUR KUR و LUGAL KUR^{meš} در بسیاری از اسناد گوناگون میخی بابلی از دوره هخامنشی دیده می‌شود. به نقل از Assar 2005: 44, n. 101

¹⁷ Sachs and Hunger 1996: 220-235, No. -132C+D₁+D₂+E.





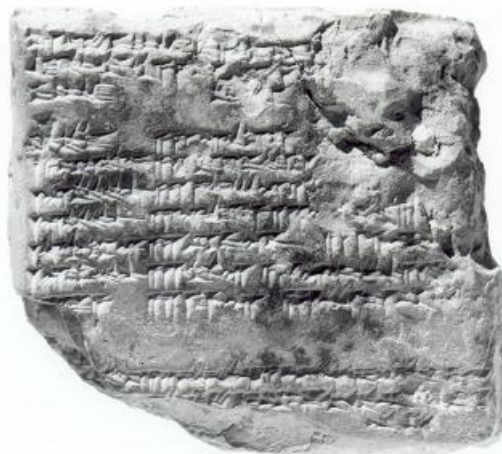
- ۱۴: در «دروازه فرزند پادشاه» اسانگیل، بعنوان قربانی برای آن قاصد پادشاه، بعل و بلتیجا، خدایان بزرگ، برای زندگانی پادشاه و برای زندگی (خودش) آنها را قربانی کرد، آن ماه،
- ۱۵: [چرم نوشته‌ای] که [به] شهروندان (یونانی) بابل نوشته شده بود، در رصدخانه خوانده شد؛ بر طبق
- ۱۶: [.... اوریا فرزند ک] منشکیر، دشمن ایلامی که بر ضد پدرش شوریده بود
- ۱۷: [....] در بابل زندگی می‌کرد، بر ضد سپاهیان آنها سازماندهی کرد و ترک کرد
- ۱۸: [....] -ارتش، رود ایلام، آنها گذشتند و در فاصله ۱ برو (bēru) اتراق کردند
- ۱۹: [....] بسیاری [سپاه] برای جنگ [علیه] یکدیگر [....] رفتند
- ۲۰: [....] سپاهیان [....] آنها بر سپاهیان دشمن شکست وارد کردند. تا غروب، باقیمانده
- ۲۱: [....] وارد شدند، اوریا، فرزند این دشمن ایلامی،
- ۲۲: [....] یک گاو و ۵ (گوسفند) در برابر قاصد قربانی شدند
- ۲۳: [....] و (این) کار را برای زندگانش انجام داد.

لبه بالایی و ناقص متن این وقایعنامه نشان می‌دهد که نشان ویژه تاریخدار آن تنهابه نام شاه ارشک امضا شده است:

3: [.... MU]-1-me-1,19-KÁM¹Ar-šá-ka-a LUGAL

۳: [.... سال] ۱۷۹، شاه ارشک

سند بعدی، نشان ویژه ناقصی است از «انتقال هدیه به خانه خدایان» از اوروک به تاریخ ماه ۵ ام سال ۱۸۰ سلوکی بابلی (۳۰/۳۱ جولای - ۲۷/۲۸ آگوست ۱۳۲ پ.م.)^{۱۸}:



¹⁸ Clay 1913: 13, 87, pl. 48 (MLC 2153) لوحه را به حدود تاریخ ۱۷۳ سلوکی بابلی تاریخگذاری می‌کند؛ Oelsner 1986: 275, n. "s", and 408, n. 570, Doty 1977: 377, Oelsner 1975: 30-31, n. 14, Del Monte 1997: 245, و Oelsner 1995: 147-148, سال ۱۸۰ سلوکی بابلی.





- 11: UNUG^{ki} it^uNE
 12: [U₄-x-KÁM MU-1-me-16 šá šī-tu₄] ¹1-me-1,20 ¹Ar-šak-'a u ^fRi-'in¹-nu AMA-šú
 13: LUGAL^{meš}

۱۱: اوروک، ماه ۱۵ام

۱۲: [روز؟، سال ۱۱۶، که سال] ۱۸۰ بود، ارشک و مادرش رینو،

۱۳: شاه (هستند)

این گواهی از سلطنت مشترک، آشکارا با تاریخ سنتی مرگ مهرداد (۱۳۸-۱۳۷ پ.م.) تناقض دارد. اگر فرهاد دوم در زمانی بین ۱۳۸-۱۳۷ پ.م. بعنوان یک جوان جانشین پدرش شده بود^{۱۹}، مسلماً ۶ سال بعد، یعنی در سال ۱۳۲ پ.م. نیازی به شراکت مادرش در سلطنت نمی‌داشت. در ترکیب با فرمول زمانی زیر که مورخ ۲۱/۲۲ آوریل ۱۳۱ پ.م. است^{۲۰}، نشان ویژه تاریخدار بالا از اوروک قویا نشان می‌دهد که لوح مذکور در زمانی تنظیم شده است که شاه ارشک هنوز ۱۵ سال تمام (سن آرمانی در دین زرتشت) نداشته است. بنابراین لازم بوده است که تا رسیدن به سن مطلوب و فرمانروایی مستقل، مادرش کوتاه زمانی بعنوان نایب-السلطنه انجام وظیفه کند^{۲۱}:

- 10: [U₄-1-KÁM IGI-DU₈-A^{meš} DIB-qa^{meš} u AN-KU₁₀]^{meš} šá a-na MU-1-me-17-KÁM
 11: [šá šī-i MU-1-me-1,21-KÁM ¹Ar]-šá-ka-a LUGAL kun-nu-'u

۱۰: [روز نخست (از ماه اول)، ظهور کرد، گذر کرد و افول کرد] که برای سال ۱۱۷ برقرار بود

۱۱: [که سال ۱۸۱ بود]، [ارشک شاه (است)].

سن کم فرهاد همچنین از نمایش چهره جوان او بر روی نخستین سکه‌های سلطنتش در شوش پیداست (شکل ۳). در این سکه‌ها او را تنها با یک خط ریش و نه با سبیل و ریش کامل می‌بینیم.

¹⁹ فرهاد دوم بدلیل کم بودن سن نمی‌توانسته است در ۱۳۸-۱۳۷ پ.م. بر تخت بنشیند و لذا مادرش نیابت سلطنت را عهده دار بوده است. فرمولهای زمانی موجود در دوره ۱۳۸-۱۳۲ پ.م. همگی به تنهایی توسط شاه ارشک امضا شده‌اند که نشان می‌دهد که سلطنت ارشک به تنهایی و با استقلال بوده است و نه به شکل نیابتی و یا مشارکتی.

²⁰ Sachs 1955: 195 and 207, LBAT 1272+1345.

²¹ Dąbrowa 2005: 73, n. 1 هم پایان فرمانروایی مهرداد اول را سال ۱۳۲ پ.م. می‌داند.





شکل ۳: S14.1-2: چهار دره‌می فرهاد دوم از شوش

همانطور که در بالا توضیح داده شده، آخرین وقایعنامه موجود از سال ۱۷۹ سلوکی بابلی شامل دوره ۷/۸ اکتبر ۱۳۳ تا ۲/۳ آوریل ۱۳۲ پ.م. می‌باشد و تنها به نام شاه ارشک امضا شده است. بنابراین، او نمی‌تواند همان شاه ارشکی باشد که همزمان با مادرش در جولای / آگوست ۱۳۲ پ.م. سلطنت کرده است و تنها می‌تواند همان مهرداد اول باشد که هنوز علیرغم رنجوری ناشی از بیماری قدرت خود را بر شاهنشاهی اشکانی تا تاریخ آوریل ۱۳۲ پ.م. حفظ کرده بود. اما این قدرت محققا تا ۲۷/۲۸ آگوست همان سال دوام نیافت.^{۲۲} این موضوع شایان توجه است که فرضیه ما درباره سلامتی مهرداد تا پایان دوره سلطنتش با گفته ژوستین (۴۱،۶،۹) تطابق می‌کند که گفته است: او (مهرداد اول) سپس دچار بیماری شد و با افتخار در سالخوردگی درگذشت. مردی به همان بزرگی که نیای بزرگش ارشک بود.^{۲۳} با بدست داشتن منابع دست اول و ثانویه، ما می‌توانیم با اطمینان نقطه پایان پادشاهی مهرداد اول را در فاصله بین ۳/۴ آوریل تا ۲۷/۲۸ آگوست سال ۱۳۲ پ.م. قرار دهیم.

²² Assar 2005: 44; Assar 2006: 95-98.

²³ به نقل از Assar 2004: 84-87 در نسب‌نامه درست سلطنتی بین ارشک اول و مهرداد اول.





فهرست اختصارات:

AfO *Archiv für Orientforschung*
ZfA *Zeitschrift für Assyriologie*

کتابنامه:

ASSAR G. R. F.,

- 2001a, “Recent Studies in Parthian History: Part II”, *The Celator. Journal of Ancient and Medieval Coinage*, 15.1 (January): 17-27 and 41.
- 2001b, “Recent Studies in Parthian History: Part III”, *The Celator. Journal of Ancient and Medieval Coinage*, 15.2 (February): 17-22.
- 2003, “Parthian Calendars at Babylon and Seleucia on the Tigris”, *Iran* 41: 171-191.
- 2004, “Genealogy and Coinage of the Early Parthian Rulers. I”, *Parthica* 6: 69-93.
- 2005, “Genealogy and Coinage of the Early Parthian Rulers. II. A Revised Stemma”, *Parthica* 7: 29-63.
- 2006, “A Revised Parthian Chronology of the Period 165-91 BC”, *Electrum* 11: 87-158.

BIVAR A. D. H.,

- 1983, “The Political History of Iran Under the Arsacids”, 21-99. In E. Yarshater (ed.), *CHIr* 3.1: *The Seleucid, Parthian and Sasanian Periods*. Cambridge University Press, Cambridge.

BOPEARACHCHI O.,

- 1991, *Monnaies gréco-bactriennes et indo-grecques – Catalogue raisonné*. Bibliothèque Nationale, Paris.

CLAY A. T.,

- 1913, *Babylonian Records in the Library of J. Pierpont Morgan*. Vol. 2. *Legal Documents from Erech Dated in the Seleucid Era (BRM II)*. Privately Printed, New York.

DĄBROWA E.,

- 2005, “Les aspects politiques et militaires de la conquête parthe de la mésopotamie”, *Electrum* 10: 73-88.

DEBEVOISE N. C.,

- 1938, *A Political History of Parthia*. The University of Chicago Press, Chicago.

DEL MONTE G. F.,

- 1997, *Testi dalla Babilonia Ellenistica I: Testi Cronografici*. Istituti Editoriali e Poligrafici Internazionali, Pisa.





- DOTY L. T.,
– 1977, *Cuneiform Archives from Hellenistic Uruk* (PhD Dissertation).
Yale University, Yale.
- KUGLER F. X.,
– 1924, *Sternkunde und Sterndienst in Babel. – Assyriologische, Astronomische und Astralmythologische Untersuchungen 2.2.2. Babylonische Zeitordnung und Ältere Himmelskunde*. Aschendorffsche Verlagsbuchhandlung, Münster in Westfalen.
- MINNS E. H.,
– 1915, “Parchments of the Parthian Period from Avroman in Kurdistan”,
The Journal of Hellenic Studies 35: 22-65.
- OELSNER J.,
– 1964, “Ein Beitrage zu keilschriftliche Königstitulaturen in hellenistischer Zeit”, *ZfA*, N.F. 22 (Band 56): 262-275.
– 1975, “Randbemerkungen zur arsakidischen Geschichte anhand von babylonischen Keilschrifttexten”, *AfO* 3: 25-45.
– 1986, *Materialien zur Babylonischen Gesellschaft und Kultur in Hellenistischer Zeit*, *Assyriologia*, 7. Eötvös University, Budapest.
– 1995, “Recht im hellenistischen Babylonien: Tempel-Sklaven-Schuldrecht-allgemeine Charakterisierung”, 106-148. In M. J. Geller and H. Maehler (eds.), in collaboration with A. D. E. Lewis, *Legal Documents of the Hellenistic World*. The Warburg Institute, University of London.
- ROBERTS L.,
– 1963, Reviewing *Samothrace*. Excavations conducted by the Institute of Fine Arts, New York, ed. K. Lehmann. Volume 2:1, The Inscriptions on Stone, by P. M. Fraser (1960), *Gnomon*, 35: 50-79.
– 1967, “Encore une inscription grecque de l’Iran”, *Comptes Rendus de l’Académie des Inscriptions et Belles-Lettres*: 281-297.
- SACHS A. J.,
– 1955, *Late Babylonian Astronomical and Related Texts*. Copied by T. G. Pinches and J. N. Strassmaier. Brown Univ. Press, Providence, RI.
- SACHS A. J. and HUNGER H.,
– 1996, *Astronomical Diaries and Related Texts from Babylonia*, Vol. 3, *Diaries from 164 B.C. to 61 B.C.*, Verlag der Österreichischen Akademie der Wissenschaften, Wien.
- SELLWOOD D. G.,
– 1980, *An Introduction to the Coinage of Parthia*, 2nd. ed. Spink and Son Ltd., London.





- SIMONETTA A. M.,
– 1978, “The Chronology of the Gondophaean Dynasty”, *East and West*,
N.S. 28: 155-187.
- STRASSMAIER J. N.,
– 1893, “Zur Chronology der Seleuciden”, *ZfA* 8: 106-113.
- TARN W. W.,
– 1930, “Seleucid–Parthian Studies”, *Proceedings of the British Academy*,
105-135. British Academy, London.
– 1932, “Parthia”, 574-613. In S. A. Cook, F. E. Adcock and M. P.
Charlesworth (eds.), *The Cambridge Ancient History*. Vol. 9. *The Roman
Republic, 133 – 44 B.C.* Cambridge University Press, Cambridge.
- TORDAY L.,
– 1997, *Mounted Archers – the Beginnings of Central Asian History*.
Durham Academic Press, Durham.
- VAN DER SPEK R. J.,
– 1997/8, “New Evidence from the Babylonian Astronomical Diaries
Concerning Seleucid and Arsacid History”, *AfO* 44/45: 167-175.

